

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال بیست و چهارم، شماره ۹۶، زمستان ۱۳۹۵

واکاوی علل بنیادین فقر روستایی در استان فارس با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه فازی

مرضیه کشاورز^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲

چکیده

موضوع ریشه‌کنی فقر در دهه‌های اخیر به‌نحو فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. بدیهی است تحقق اهداف فقرزدایی مستلزم شناخت اصولی عوامل زمینه‌ساز این پدیده می‌باشد. این در حالی است که در خصوص علل بروز این پدیده پیچیده و چندبعدی اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. علاوه بر آن، آنچه در مطالعات فقر به‌خصوص فقر روستایی نادیده انگاشته می‌شود این است که این پدیده حاصل مجموعه‌ای از شرایط علی مختلف و در هم تنیده است. به‌همین دلیل در این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه فازی، نسبت به بررسی علل بنیادین فقر روستایی اقدام شد. داده‌های مورد نیاز این پژوهش پیمایشی از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از میان خانوارهای روستایی شهرستان‌های داراب و رستم گردآوری شد. در این راستا نسبت به انجام مصاحبه حضوری و تکمیل ۲۱۱

e-mail: keshavarzmarzieh@pnu.ac.ir

۱. استادیار گروه کشاورزی دانشگاه پیام نور، تهران

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و چهارم، شماره ۹۶

پرسش‌نامه در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ اقدام گردید. تحلیل تجربی یافته‌های حاصل از انجام مطالعات مقدماتی و تکرار شده در استان فارس نشان داد که برای شناسایی علل فقر روستایی، دو مسیر علی پیچیده از بیشترین ثبات و پوشش برخوردارند. اولین مسیر علی نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از سازه‌های انسانی، اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی و زیست‌محیطی به افزایش فقر روستایی منجر می‌شوند. این در حالی است که بر مبنای مسیر علی دوم، سازه‌هایی همچون میزان منابع انسانی، اقتصادی، فیزیکی، زیست‌محیطی و نیز میزان رضایتمندی از زندگی زمینه افزایش فقر روستایی را فراهم می‌کنند. بر مبنای یافته‌های پژوهش، توصیه‌هایی برای ریشه‌کنی فقر روستایی ارائه شد.

طبقه‌بندی JEL: I32

کلیدواژه‌ها:

فقر روستایی، خانوارهای کشاورز، تحلیل مقایسه‌ای کیفی، مجموعه فازی، استان فارس

مقدمه

در حالی که پژوهش‌های مرتبط با فقر از قدمتی صدساله برخوردارند، چالش فقر همچنان باقی است (Hayati et al., 2004, 361) و بسیاری از زوایای این پدیده پیچیده (Sullivan, 2002)، چندبعدی (Chambers, 1997) و نسبی (Ravallion, 2010) ناشناخته مانده است. به همین دلیل، موضوع فقر به‌عنوان یکی از چالش برانگیزترین مسائل توسعه محسوب گردیده است به نحوی که بسیاری از صاحب‌نظران، تحقق توسعه را در گروی از میان برداشتن موانع اساسی همچون فقر، نابرابری و بی‌عدالتی دانسته‌اند (Long, 2001, 85). مطالعات مربوط به آسیب‌پذیری نیز نشان داده‌اند که فقرا به میزان بیشتری در معرض شوک‌های محیطی قرار دارند و در مقابل تنگناهای معیشتی از بازگشت‌پذیری کمتری برخوردارند (Downing, 1991, 366). همین امر بررسی مقوله فقر و مؤلفه‌های زمینه‌ساز آن را ضروری می‌نماید.

واکاوی علل بنیادین.....

شناخت جامع و اصولی فقر و مؤلفه‌های زمینه‌ساز آن نیازمند برخورداری از ادراکی صحیح در خصوص مفهوم و ماهیت این پدیده است. این در حالی است که تعریف جهان‌شمولی در زمینه فقر وجود ندارد. در ابتدا، ناتوانی افراد در تأمین نیازهای اولیه (Gordon and Spicker, 1998, 7) به‌عنوان معیاری برای تبیین فقر در نظر گرفته می‌شد، اما از دهه ۱۹۸۰ تعاریف ارائه شده در زمینه فقر مورد تجدیدنظر قرار گرفت به‌نحوی که می‌توان چهار تغییر عمده را در مفهوم‌سازی فقر مورد اشاره قرار داد: نخست در نظر گرفتن جنبه‌های غیرمادی در تعریف فقر بود. این تغییر به‌میزان زیادی حاصل فعالیت‌های چمبرز در زمینه بی‌قدرتی و انزوایی بود (Chambers, 1997). وی مقوله مشارکت را در بررسی پدیده فقر مورد تأکید قرار داد. دوم تمرکز مطالعات آسیب‌پذیری و ایمنی بر مقوله‌هایی همچون تغییرات فصلی و اثرات ناشی از شوک‌های محیطی (Chambers et al., 1981) بر اقتصاد خانوار بود موجب گردید که نقش اموال و دارایی‌ها در کاهش اثرات ناشی از ناپایداری درآمد و همچنین تأثیر روابط اجتماعی در بررسی مقوله فقر مورد تأکید قرار گیرد (Scoones, 1998, 2). سوم گسترش مفهوم فقر و در نظر گرفتن سازه معیشت بود که موجب بازاندیشی در مفهوم‌سازی فقر گردید (Ellis, 2000a & b, 293). چهارم نظریه مطرح شده توسط آمارتیا سن تحت عنوان استحقاق غذایی بود که مفهوم فقر را دستخوش تحول نمود (Sen, 1983 & 1999, 154). سن معتقد بود که درآمد اقتصادی تنها زمانی ارزشمند است که موجب افزایش توانایی و ظرفیت افراد و در نتیجه بهبود کارکردهای اجتماعی آنها شود به‌نحوی که در مجموع می‌توان سه رهیافت کالاگرا، فایده‌گرا و ظرفیت‌گرا را برای بررسی فقر مورد توجه قرار داد (Neff, 2013, 320). رهیافت‌های کالاگرا بر این فرض استوارند که به‌منظور ارزیابی فقر باید میزان اموال و دارایی‌های تحت تملک افراد مورد بررسی قرار گیرد. نظریه‌های مبتنی بر فایده‌گرایی بر میزان سود و منفعتی که توسط فرد تجربه می‌شود، تمرکز دارند و در نهایت رهیافت ظرفیت‌گرا بر این مبنا استوار است که تمرکز بر دارایی‌های افراد به تنهایی برای تشخیص میزان فقر آنها کافی نیست، چرا که نحوه بهره‌گیری از این دارایی‌ها برای بهبود

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و چهارم، شماره ۹۶

زندگی و افزایش رفاه نیز از اهمیت برخوردار است. تمرکز صرف بر فایده‌گرایی نیز تا حدود زیادی گمراه‌کننده است، چرا که تعیین میزان سودمندی فرایندی ذهنی است. بنابراین در رهیافت ظرفیت‌گرایی، میزان توانایی فرد و فرصت‌ها (آزادی‌ها)ی پیش‌روی فرد و نیز ارزش‌ها و استدلال‌های وی مورد توجه قرار می‌گیرد (Sen, 1999, 1).

از سوی دیگر هر چند مطالعات زیادی در خصوص علل شکل‌گیری فقر انجام شده‌اند، اما در این زمینه نیز اتفاق نظر چندانی وجود ندارد (Hayati and Karami, 2005, 885). با این وجود، بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که مجموعه‌ای از عوامل پیچیده و در هم‌تنیده موجب شکل‌گیری فقر می‌شوند (Sullivan, 2002, 1197; Ravallion, 2010, 4) به‌نحوی که مروری بر مطالعات تجربی انجام شده در زمینه فقر نشان می‌دهد که پایین بودن نرخ رشد اقتصادی، نامناسب بودن سیاست‌گذاری‌های انجام شده در سطح کلان، پایین بودن بهره‌وری کل عوامل تولید کشاورزی، محدودیت فرصت‌های شغلی و توزیع نامناسب نیروی کار در بازار، بهره‌وری اندک نیروی کار و پایین بودن حقوق و دستمزد در بخش‌های غیررسمی، توسعه نامتوازن منابع انسانی و عوامل فرهنگی از جمله دلایل شکل‌گیری فقر در سطح کلان می‌باشند (ترکمانی و جمالی‌مقدم، ۱۳۸۴، ۱۵۳؛ خالدی و حقیقت‌نژاد شیرازی، ۱۳۹۱، ۵۷؛ Aliber, 2003, 473; Baulch and Hoddinott, 2000, 2; Ellis, 2000b, 291; Francis, 2000; Kay, 2006, 455; Kluegel and Smith, 1986; Mehta and Shah, 2003, 491; Nasser and Abouchdid, 2001, 205). همچنین مطالعات زیادی به بررسی عوامل زمینه‌ساز فقر در سطح خرد اختصاص یافته‌اند. بسیاری از این مطالعات نشان داده‌اند که ساکنان مناطق روستایی و خانوارهای دارای اقتصاد متکی بر کشاورزی به‌دلایلی همچون وابستگی زیاد به منابع طبیعی، رویارویی با شوک‌های محیطی (همچون خشکسالی) و کم‌درآمدی به میزان بیشتری با فقر مواجه می‌باشند (Cavendish, 2000, 1979; Chambers et al., 1981; Ellis, 2000a, 3; Gentle and Maraseni, 2012, 25; Narayan et al., 2000, 2; Rigg, 2006, 181; Scoones, 1998, 2) به‌نحوی که علی‌رغم کاهش فقر نسبی در مناطق شهری، روند فقر

واکاوی علل بنیادین.....

روستایی در ایران و بسیاری از کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است (حیدری، ۱۳۹۰، ۵۱).

یافته‌های حاصل از مطالعات پیشین نشانگر آن است که عواملی همچون شوک‌ها و تخریب‌های زیست‌محیطی، بیکاری ساختاری (به دلیل کمبود مهارت یا تحصیلات، مشکلات جسمانی و محدودیت جغرافیایی)، کاهش امنیت و سلامت، تغییر در ساختار خانواده، منابع انسانی خانوار (تعداد افراد بزرگسال و ترکیب جنسیتی آنها، تعداد اعضای کارکن خانوار و میزان تحصیلات بزرگسالان خانوار)، میزان اموال و دارایی‌های تحت تملک (اراضی زراعی و باغی و ماشین‌آلات کشاورزی)، میزان دسترسی به خدمات اجتماعی (خدمات درمانی و عضویت در تعاونی)، میزان دسترسی به تسهیلات و اعتبارات، محل سکونت (فاصله روستا تا مرکز شهرستان و سطح توسعه‌یافتگی روستا)، ماهیت اشتغال اعضای خانوار (پاره‌وقت یا تمام‌وقت، بخش کشاورزی یا غیرکشاورزی) و میزان سرمایه اجتماعی را می‌توان در زمره تعیین‌کننده‌های بنیادین فقر روستایی محسوب نمود (افتخاری و کرمی، ۱۳۹۳، ۱؛ افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۷۹؛ طالب و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۴۳؛ عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳، ۶۷؛ غفاری و حق‌پرست، ۱۳۸۳، ۳۲؛ محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۱، ۱؛ محمدی‌یگانه و همکاران، ۱۳۹۳، ۸۳؛ همزه‌ای و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۱۱؛ Baulch and Hoddinott, 2000, 1; Bryceson, 1996, 97; Cavendish, 2000, 1991-1994; Chambers et al., 1981; Chapoto et al., 2011, 11-13; Janvry and Sadoulet, 2003, 105; Gentle and Maraseni, 2012, 24; Keshavarz et al., 2013, 120; Minnegal and Dwyer, 2000, 493; Narayan et al., 2000; Rigg, 2006, 183; Scoones, 1998; Siegel and Alwang, 1999, 2; Swift and Hamilton, 2001; Webb et al., 1992, 5).

در حالی که بسیاری از پژوهش‌های مرتبط با فقر با استفاده از روش‌های متداول مجموعه قطعی^۱ انجام شده‌اند، برخی فقرپژوهان همچون نف (Neff, 2013, 321) بر این

1. Crisp-set

باورند که رابطه میان مؤلفه‌های تشکیل دهنده فقر بسیار پیچیده و مبهم است. به همین دلیل به استثنای خانوارهایی که دارای فقر یا ثروت افراطی می‌باشند، تمایز قائل شدن میان سایر خانوارها که از سطوح متفاوتی از منابع انسانی، اقتصادی و اجتماعی برخوردارند، دشوار است. نف (Neff, 2013, 321) معتقد است که در شرایطی که انجام پژوهش تجربی با عدم اطمینان زیادی همراه است، بهره‌گیری از منطق فازی با انجام تحلیل مقایسه‌ای کیفی می‌تواند به راه‌حل‌های بهتری بیانجامد. این مهم در مطالعات انجام شده در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی به‌خصوص در پژوهش‌های مربوط به تجزیه و تحلیل قدرت (Blake and Adolino, 2001)، روابط سیاسی (Gordin, 2001)، تغییرات اجتماعی و سیاسی (Berg-Schlosser and De Meur, 1994)، نهضت‌های اجتماعی (Nomiya, 2001)، رفاه اجتماعی (Peillon, 1996)، جرم‌شناسی (Tarohmaru, 2001)، زبان‌شناسی (Mendel and Korjani, 2012)، روان‌شناسی (Theuns, 1994) و اعتیاد (Eng and Woodside, 2012) به اثبات رسیده است. با این وجود، بررسی‌های انجام شده نشانگر آن است که این روش‌شناسی تا کنون در مطالعات مربوط به فقر مورد استفاده قرار نگرفته است.

لازم به ذکر است که تحلیل مقایسه‌ای کیفی به عنوان روشی قدرتمند برای واکاوی روابط علی موجود میان مجموعه‌ای از شرایط و نتیجه نهایی معرفی شده است (Ragin, 1987). این روش بر مبنای منطق نظریه مجموعه‌ها استوار گردیده (Ragin, 1999, 1227) و به‌عنوان جایگزینی مناسب برای روش‌های استدلالی مبتنی بر همبستگی شناخته شده است (Skarmeas et al., 2014, 1796). بر خلاف روش‌های رگرسیون آماری که به ارزیابی اثر مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته می‌پردازند، تحلیل مقایسه‌ای کیفی قادر به تجزیه و تحلیل شرایط و عوامل چندگانه اثرگذار بر نتیجه مورد نظر (متغیر وابسته) است (Pajunen, 2008, 654; Schneider et al., 2010, 248). به بیان دیگر در تحلیل پیامدی خاص، بیش از یک مسیر (مجموعه‌ای از شرایط) در نظر گرفته می‌شود (Pahl-Wostl and Knieper, 2014, 141). به همین دلیل، تحلیل مقایسه‌ای کیفی میان شرایط کافی و لازم برای تحقق یک پدیده تمایز

واکاوی علل بنیادین.....

قائل می‌شود (Ragin, 1999, 1228). منظور از شرایط لازم این است که بدون وجود شرایط مذکور، تحقق نتیجه مورد نظر امکان‌پذیر نمی‌باشد. همچنین تمام مؤلفه‌هایی که نتیجه مورد نظر را محقق ساخته‌اند، نشانگر شرایط کافی می‌باشند (Ragin, 2008, 7). آنچه تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه فازی را از سایر روش‌های تحلیل همبستگی متمایز می‌سازد، برخورداری این روش از قابلیت‌های زیر است: ۱) عدم تقارن (رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته به صوت نامتقارن در نظر گرفته می‌شود؛ ۲) وحدت نتیجه (مسیرها و راه‌حل‌های مختلف به یک نتیجه مشابه ختم می‌شوند) و ۳) پیچیدگی علی (مجموعه‌ای از شرایط علی منجر به حصول نتیجه می‌شوند و بنابراین به‌جای اینکه پژوهشگر بر برآورد اثرات مجزای متغیرهای مستقل تمرکز نماید، بر ارزیابی اثرات ترکیبی تأکید می‌کند) (Skarmeeas et al., 2014, 1798). این امر به‌خصوص در مطالعات اجتماعی همچون مقوله فقر پژوهی از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، چرا که این روش‌شناسی می‌تواند با تعیین مسیرهای مختلف علی زمینه‌ساز وقوع پدیده فقر، به شناخت جامع علل بنیادین فقر کمک نموده و موجبات افزایش اثربخشی برنامه‌های فقرزدایی را فراهم نماید.

با توجه به اهمیت موضوع، این مطالعه با بهره‌گیری از روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه فازی به واکاوی علل فقر روستایی در استان فارس پرداخته است. این استان از مناطق مستعد کشاورزی کشور بوده و سهم قابل توجهی در تولید محصولات همچون گندم و ذرت دارد. با این وجود، وقوع خشکسالی‌های مستمر و افزایش بحران آب موجب کاهش ظرفیت تولیدی استان فارس گردیده و معیشت بسیاری از ساکنان روستایی را ناپایدار ساخته است.

روش تحقیق

به‌منظور واکاوی علل فقر روستایی، نسبت به انجام پژوهش در استان فارس مبادرت گردید. در این راستا، با توجه به معیارهای نوع اقلیم، موقعیت جغرافیایی، میزان بارندگی و میزان جمعیت بهره‌بردار کشاورزی، شهرستان‌های داراب و رستم به‌عنوان منطقه مورد مطالعه

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و چهارم، شماره ۹۶

انتخاب گردیدند. شهرستان داراب در جنوب شرقی استان فارس واقع شده و از اقلیمی گرم و خشک برخوردار است. در سال زراعی ۹۲-۱۳۹۱، میزان بارندگی شهرستان داراب ۱۸۱ میلی‌متر و بر اساس نتایج سرشماری کشاورزی، تعداد بهره‌برداران کشاورزی شهرستان داراب ۴۶۵۷ نفر بوده است. از سوی دیگر، شهرستان رستم در شمال غربی استان فارس قرار گرفته و دارای اقلیم نیمه‌خشک سرد می‌باشد. این شهرستان در سال زراعی ۹۲-۱۳۹۱ بارندگی معادل ۵۵۷ میلی‌متر را تجربه نموده است. همچنین تعداد بهره‌برداران کشاورزی شهرستان رستم ۴۹۸۶ نفر می‌باشد. در حالی که موقعیت جغرافیایی و اقلیمی دو شهرستان مذکور متفاوت است، از نظر جمعیت بهره‌بردار کشاورزی و نیز الگوی غالب معیشت روستایی (کشاورزی) میان این دو شهرستان شباهت وجود دارد. لازم به ذکر است، به منظور حصول اطمینان از قابلیت اتکا و تعمیم‌پذیری مناسب یافته‌های پژوهش، نسبت به انجام مطالعه مجزا در شهرستان‌های دارای ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی متفاوت اقدام شده است. بدین ترتیب، شهرستان داراب برای انجام مطالعه مقدماتی و شهرستان رستم برای تکرار مطالعه انتخاب گردیدند و در درون هر شهرستان، یک دهستان و پس از آن، دو روستا به صورت تصادفی انتخاب شدند. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه خانوارهایی بود که در روستاهای مذکور به صورت دائم ساکن بوده و به فعالیت‌های تولیدی مرتبط با کشاورزی اشتغال داشتند. به منظور تعیین حجم نمونه، با در نظر گرفتن سطح معنی‌داری ۵ درصد از فرمول مورگان استفاده شد و به ترتیب ۱۰۸ و ۱۰۳ نفر از کشاورزان این شهرستان‌ها از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و در سال زراعی ۹۴-۱۳۹۳ مورد مطالعه قرار گرفتند.

گردآوری داده‌های مورد نیاز این تحقیق پیمایشی از طریق پرسش‌نامه صورت گرفت. در این راستا، پس از مرور گسترده پژوهش‌های انجام شده در زمینه فقر روستایی، شاخص‌های ترکیبی منابع انسانی (اندازه خانوار، سن و تحصیلات سرپرست خانوار، میانگین تحصیلات و نرخ اشتغال اعضای بزرگسال خانوار)، منابع اجتماعی (همبستگی و پیوندهای اجتماعی)، کیفیت محیط زیست، میزان رضایتمندی از زندگی، منابع اقتصادی (درآمد سرانه، میزان

واکاوی علل بنیادین.....

بازدهی اراضی، میزان فرصت‌های شغلی و میزان توانایی برای تأمین نیازهای اساسی) و منابع فیزیکی (میزان اموال و دارایی‌ها و میزان نزدیکی به مراکز آموزشی، تجاری و...) به‌منظور سنجش علل فقر روستایی در نظر گرفته شدند. روایی صوری پرسش‌نامه توسط سه تن از اعضای هیئت علمی دانشکده‌های کشاورزی دانشگاه‌های شیراز و تهران مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسش‌نامه نیز از طریق انجام مطالعه راهنما در خارج از محدوده منطقه مورد پژوهش ارزیابی شد. مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۴ به‌دست آمد که نشانگر پایایی بسیار مناسب پرسش‌نامه بود.

به‌منظور ساخت شاخص‌های ترکیبی مورد استفاده در پژوهش، ابتدا با استفاده از روش استانداردسازی «کمترین- بیشترین»^۱، نسبت به همگون‌سازی داده‌ها در محدوده ۰ و ۱ فاصله‌ای اقدام شد. سپس با بهره‌گیری از روش تحلیل جزء اصلی^۲، وزن هر یک از متغیرهای استاندارد شده محاسبه گردید. پس از آن، با استفاده از تکنیک جمع شاخص‌های وزن‌دهی شده^۳، که در زمره روش‌های افزایشی خطی محسوب می‌شود، شاخص ترکیبی مورد نظر محاسبه شد (برای کسب اطلاعات بیشتر راجع به نحوه ساخت شاخص ترکیبی مطالعه منبع Keshavarz et al., 2014, 1167 توصیه می‌شود).

برای انجام تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه فازی، در گام نخست نسبت به کالیبره‌سازی داده‌ها^۴ (تبدیل داده‌های خام به مجموعه فازی و تعیین میزان عضویت در مجموعه موردنظر) اقدام شد (Ragin, 2000, 17; 2008). از آنجا که مقادیر متغیرهای پژوهش در محدوده ۰ و ۱ فاصله‌ای قرار داشتند، مجموعه‌های فازی بسیار کم (VL)، کم (L)، متوسط (M) و زیاد (H) در نظر گرفته شدند (Keshavarz et al., 2014, 1168). میزان عضویت متغیرها در مجموعه مورد نظر نیز با استفاده از فرمول زیر محاسبه گردید. لازم به‌ذکر است مقادیر فازی ۱ و ۰ به

-
1. Min- max Normalization
 2. Principal Component Analysis
 3. Weighted Sum of Indicators
 4. Data Calibration

ترتیب نشان‌دهنده عضویت کامل و عدم عضویت در طبقه مورد نظر می‌باشد (Woodside, 2013, 266):

$$\mu_{VL}(x) = \begin{cases} 1 & \text{for } 0 \leq x \leq 0.125 \\ -4x + 1.5 & \text{for } 0.125 \leq x \leq 0.375 \end{cases}$$

$$\mu_L(x) = \begin{cases} 4x - 0.5 & \text{for } 0.125 \leq x \leq 0.375 \\ -4x + 2.5 & \text{for } 0.375 \leq x \leq 0.625 \end{cases}$$

$$\mu_M(x) = \begin{cases} 4x - 1.5 & \text{for } 0.375 \leq x \leq 0.625 \\ -4x + 3.5 & \text{for } 0.625 \leq x \leq 0.875 \end{cases}$$

$$\mu_H(x) = \begin{cases} 4x - 2.5 & \text{for } 0.625 \leq x \leq 0.875 \\ 1 & \text{for } 0.875 \leq x \leq 1 \end{cases}$$

در دومین گام، نسبت به تعیین مجموعه‌های منفی^۱ مبادرت گردید (Woodside and Zhang, 2013, 265). در صورتی که به‌طور مثال مجموعه مورد نظر با حرف A نشان داده شود، مجموعه منفی معمولاً با $\sim A$ مشخص می‌شود. برای محاسبه میزان عضویت فرد مورد نظر در مجموعه منفی می‌بایست امتیاز عضویت در مجموعه فازی اصلی از عدد یک کسر شود. گام سوم به برآورد بیانیه‌های علی پیچیده^۲ (تهیه دستورالعمل) اختصاص می‌یابد. بدین منظور با استفاده از الگوریتم جدول حقیقی، نمرات مربوط به عضویت در مجموعه فازی به جداول حقیقی تبدیل می‌شوند. در این جدول، تمام ترکیب‌های منطقی شرایط علی و نتیجه نهایی مربوطه فهرست می‌گردند (Ragin, 2008). نمونه‌ای از جدول حقیقی مرتبط با داده‌های شهرستان داراب در زیر ارائه گردیده است:

1. Negated sets
2. Estimating complex causal statements

واکاوی علل بنیادین.....

جدول ۱. جدول حقیقی داده‌های شهرستان داراب

فیزیکی	اقتصادی	رضایتمندی	محیط زیست	اجتماعی	انسانی	تعداد فقر	میزان ثبات
۱	۱	۰	۱	۰	۰	۳	۰/۹۷۴
۱	۱	۱	۰	۰	۰	۲	۰/۹۹۹
۱	۰	۰	۱	۰	۰	۲	۰/۹۷۰
۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۰/۹۹۰
۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰/۹۹۷
۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰/۹۹۶
۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰/۹۸۴
۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰/۹۹۵

منبع: یافته‌های پژوهش

در آخرین گام، راه‌حل‌های ارائه شده بر اساس دو معیار میزان ثبات^۱ و پوشش^۲ مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. ثبات یا همسازی نشانگر میزان یا درجه‌ای است که ترکیب علی مورد نظر به نتیجه نهایی منجر می‌گردد. این مقدار در محدوده ۰ تا ۱ قرار می‌گیرد (Ragin, 2008). با توجه به میزان ثبات، می‌توان بسندگی شرایط علی مربوطه را مورد ارزیابی قرار داد. این معیار برای قضاوت توأم در زمینه ضرورت و بسندگی شرایط علی مناسب نمی‌باشد (Woodside, 2013, 466). پس از محاسبه میزان ثبات تمام ترکیب‌های علی می‌بایست نسبت به تعیین آن دسته از ترکیب‌های علی (مسیرها) اقدام نمود که در راه‌حل نهایی قابل استفاده می‌باشند. در بیشتر مطالعات، ترکیب‌های دارای ثبات بیش از ۰/۷۴ انتخاب می‌شوند (Skarmas et al., 2014, 1799). پس از آن، درجه پوشش راه‌حل مورد بررسی قرار می‌گیرد. این معیار منعکس‌کننده درجه یا میزانی است که هر راه‌حل و همچنین کلیه راه‌حل‌ها قادر به تبیین نتیجه نهایی می‌باشند (Ragin, 2006, 294). در بیشتر مطالعات، پوشش ۰/۲۵ تا ۰/۶۵ در انتخاب ترکیب‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد (Ragin, 2008; Skarmas et al., 2014, 1799).

1. Consistency

2. Coverage

(Woodside, 2013, 466). همچنین در تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه فازی، سه راه‌حل پیچیده، ممسک^۱ و میانه‌رو ارائه می‌شوند (Ragin, 2008). هر یک از راه‌حل‌ها نیز مجموعه‌ای از مسیرها (بیانیه‌های مربوط به شرایط علی) را ارائه می‌دهند. راه‌حل پیچیده، مفروضات مربوط به ساده‌سازی یافته‌ها را به کار نمی‌گیرد. بنابراین در صورتی که تعداد زیادی از شرایط علی شناسایی شده باشند، راه‌حل مربوطه تا حدودی پیچیده خواهد بود. راه‌حل ممسک، به منظور ساده‌سازی راه‌حل‌ها، ترکیبی از شرایط علی را که در مجموعه داده‌ها مشاهده شده است به کار می‌گیرد. بنابراین راه‌حل ممسک را تنها در مواقعی می‌توان مورد استفاده قرار داد که از احراز تمام شرایط مورد نظر اطمینان حاصل شود. سرانجام، راه‌حل میانه‌رو در حد واسط دو راه‌حل قبلی قرار دارد و تنها برخی محدودیت‌ها را برای ساده‌سازی راه‌حل‌ها در نظر می‌گیرد. در شرایطی که آگاهی کافی در زمینه پدیده مورد مطالعه وجود ندارد و تعداد شرایط علی استخراج شده چندان زیاد نمی‌باشد، بهره‌گیری از راه‌حل پیچیده توصیه می‌شود (Ragin and Sonnett, 2005, 183). به همین دلیل در این پژوهش، نتایج حاصل از راه‌حل پیچیده ارائه گردیده است. لازم به ذکر است تحلیل‌های مورد نیاز با استفاده از ویرایش دوم نرم‌افزار FsQCA انجام شده است.

نتایج و بحث

۱. نتایج حاصل از مطالعه مقدماتی در شهرستان داراب

همان‌گونه که در جدول ۲ نشان داده شده است، شرایط علی زمینه‌ساز فقر روستایی در شهرستان داراب را می‌توان در قالب چهار مسیر مجزا مورد بررسی قرار داد. اولین مسیر نشانگر آن است که برخورداری از منابع اجتماعی زیاد، رضایتمندی زیاد، منابع فیزیکی کم و در نهایت سکونت در مناطق دارای کیفیت زیست‌محیطی پایین به افزایش فقر روستایی منجر می‌شود (ثبات = ۰/۹۵ و پوشش = ۰/۸۷). مسیر علی دوم نیز نشان می‌دهد که برخورداری از منابع اجتماعی و رضایتمندی زیاد به همراه منابع فیزیکی و اقتصادی کم به افزایش فقر

1. Parsimonious solution

واکاوی علل بنیادین.....

روستایی منتهی می شود (ثبات = ۰/۹۵ و پوشش = ۰/۹۲). از سوی دیگر، مسیر علی سوم بیانگر آن است که با افزایش کیفیت محیط زیست، افزایش رضایتمندی از زندگی، کاهش منابع انسانی، فیزیکی و اقتصادی نیز فقر روستایی افزایش می یابد (ثبات = ۰/۹۸ و پوشش = ۰/۸۷). در نهایت، چهارمین مسیر علی مبین آن است که افزایش منابع اجتماعی به همراه کاهش کیفیت محیط زیست، منابع انسانی، اقتصادی و فیزیکی به افزایش فقر روستایی می انجامد (ثبات = ۰/۹۸ و پوشش = ۰/۹۳). همچنین بر اساس جدول ۲، راه حل پیچیده ارائه شده از ثبات قابل قبول (۰/۹۲) و پوشش مناسب (۰/۹۹) برخوردار است.

جدول ۲. علل فقر روستایی در شهرستان داراب^۱

میزان ثبات	پوشش یگانه ^۳	پوشش خام ^۲	راه حل پیچیده
۰/۹۴۶۹۷۰	۰/۰۰۱۹۹۰	۰/۸۷۲۴۶۵	اجتماعی*~زیست محیطی*رضایتمندی*~فیزیکی
۰/۹۵۰۰۷۹	۰/۰۱۱۷۱۸	۰/۹۱۶۵۶۲	اجتماعی*رضایتمندی*~اقتصادی*~فیزیکی
۰/۹۷۹۹۹۵	۰/۰۰۶۱۱۶	۰/۸۷۴۶۸۵	~انسانی*زیست محیطی*رضایتمندی*~اقتصادی*~فیزیکی
۰/۹۷۶۱۴۳	۰/۰۶۶۴۵۸	۰/۹۳۵۰۲۷	~انسانی*اجتماعی*~زیست محیطی*~اقتصادی*~فیزیکی
پوشش راه حل ^۴ : ۰/۹۹۱۱۲۷ ثبات راه حل ^۵ : ۰/۹۲۵۱۰۰ محدوده ثبات ^۶ : ۰/۹۷۰۱۷۰			

منبع: یافته های پژوهش

مروری بر یافته های مندرج در جدول ۲ نشانگر آن است که منابع فیزیکی به همراه سایر شرایط علی نقش بسزایی در شکل گیری فقر روستایی دارد به نحوی که در چهار مسیر علی ذکر شده، برخورداری از منابع فیزیکی اندک یکی از تعیین کننده های مهم فقر روستایی به شمار می رود. این یافته بدان مفهوم است که عدم برخورداری خانوارهای روستایی از منابع فیزیکی کافی، شرط ضروری افزایش فقر روستایی می باشد. این یافته با نتایج حاصل از مطالعات

۱. مدل: فقر روستایی = تابعی از (منابع فیزیکی، منابع اقتصادی، رضایتمندی، کیفیت محیط زیست، منابع اجتماعی، منابع انسانی)

2. Raw coverage
3. Unique coverage
4. Solution coverage
5. Solution consistency
6. Consistency cutoff

اسکونز (Scoones, 1998) و جانوری و سادولت (Janvry and Sadoulet, 2003, 127) هم‌خوانی دارد. مطالعات مذکور نشان داده‌اند که مالکیت اراضی کشاورزی به‌خصوص اراضی آبی نقش مهمی در کاهش فقر روستایی دارد. همچنین یافته‌های جدول ۲ حاکی از آن است که در سه مسیر علی، پایین بودن سطح منابع اقتصادی خانوار به افزایش فقر روستایی منتهی گردیده است. با در نظر گرفتن تأثیر سایر مؤلفه‌های اثرگذار، افزایش منابع اقتصادی در اختیار خانوار می‌تواند به کاهش فقر روستایی منجر شود. از سوی دیگر در سه مسیر علی، علی‌رغم افزایش رضایتمندی خانوار از زندگی، فقر روستایی افزایش یافته است (جدول ۲). این یافته با نتایج حاصل از مطالعه کشاورز و کرمی هم‌راستا می‌باشد (Keshavarz and Karami, 2011, 72). کشاورز و کرمی واژه‌ای تحت عنوان شادکامی تاکتیکی را مطرح نموده و معتقدند که این نوع رضایتمندی را می‌توان به‌عنوان یک استراتژی مقابله روانی در نظر گرفت که توسط فقرا و به‌منظور قابل تحمل ساختن دشواری‌های ناشی از فقر اقتصادی به کار می‌رود.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در سه مسیر علی، کیفیت محیط زیست در تبیین فقر روستایی نقش بسزایی داشته است. این امر بدان دلیل است که معیشت خانوارهای روستایی به میزان زیادی به محیط زیست طبیعی وابسته است. ضمن اینکه در شرایطی همچون خشکسالی که در سال‌های اخیر در شهرستان داراب تجربه شده است، منابع زیستی به‌عنوان منبعی برای کسب درآمد خانوارهای روستایی محسوب می‌شوند. در حالی که در دو مسیر علی، پایین بودن کیفیت محیط زیست موجب افزایش فقر روستایی گردیده است، در مسیر علی دیگر، علی‌رغم افزایش کیفیت محیط زیست بر فقر روستایی افزوده شده است. این یافته نشانگر آن است که پایین بودن کیفیت محیط زیست شرط لازم برای افزایش فقر روستایی نمی‌باشد.

۲. نتایج حاصل از تکرار مطالعه در شهرستان رستم

مطابق مندرجات جدول ۳، شرایط علی تعیین‌کننده فقر روستایی در شهرستان رستم را می‌توان در قالب چهار مسیر مجزا مورد واکاوی قرار داد. مسیر علی اول نشانگر آن است که با

واکاوی علل بنیادین.....

افزایش منابع اجتماعی، کیفیت زیست محیطی و رضایتمندی از زندگی و نیز کاهش منابع اقتصادی و فیزیکی، فقر روستایی افزایش می‌یابد (ثبات = ۰/۹۹ و پوشش = ۰/۶۸). مطابق مسیر علی دوم، افزایش کیفیت محیط زیست و رضایتمندی از زندگی به همراه کاهش منابع انسانی، اقتصادی و فیزیکی نیز به افزایش فقر روستایی می‌انجامد (ثبات = ۱/۰۰ و پوشش = ۰/۶۸). همچنین مسیر علی سوم نشان می‌دهد که برخورداری از منابع اجتماعی و رضایتمندی زیاد به همراه منابع انسانی، فیزیکی و اقتصادی کم نیز بر فقر روستایی می‌افزاید (ثبات = ۱/۰۰ و پوشش = ۰/۷۱). سرانجام، مطابق مسیر علی چهارم، در شرایط برخورداری افراد از منابع اجتماعی زیاد، رضایتمندی زیاد از زندگی، منابع انسانی کم، استانداردهای زیست محیطی پایین و نهایتاً منابع اقتصادی و فیزیکی کم نیز فقر روستایی تشدید می‌شود (ثبات = ۱/۰۰ و پوشش = ۰/۷۵). مطابق مندرجات جدول ۳، ثبات (۰/۹۹) و پوشش (۰/۸۶) راه‌حل پیچیده ارائه شده در حد مناسب می‌باشد.

از سوی دیگر، یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که منابع فیزیکی و اقتصادی در تمام مسیرهای علی استخراج شده در مدل نمود یافته‌اند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که در شهرستان رستم، عدم برخورداری از منابع فیزیکی و اقتصادی کافی، شرط ضروری تحقق فقر روستایی می‌باشد. همچنین در مسیرهای علی چهارگانه ارائه شده در جدول ۳، میزان رضایتمندی از زندگی نقش بسزایی در تبیین فقر روستایی داشته است به نحوی که در مسیرهای مربوطه با افزایش رضایتمندی افراد از زندگی، فقر روستایی افزایش یافته است. در سه مسیر علی نیز کیفیت محیط زیست، به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های مهم فقر روستایی محسوب گردیده است در حالی که برخی مطالعات نشان داده‌اند که افزایش دسترسی خانوارهای روستایی به منابع زیستی با کیفیت به افزایش رفاه خانوار منجر می‌شود (Scherr, 2000, 493; Chokor, 2004, 314)، یافته‌های مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که در دو مسیر علی، علی‌رغم افزایش کیفیت محیط زیست، فقر روستایی تشدید شده است. این یافته با نتایج حاصل از مطالعه ریردون و وستی (Reardon and Vosti, 1995, 1502) و پنتینن (Penttinen, 2008, 3) همخوانی دارد. این محققان بر این باورند که فقر سرمایه‌گذاری موجب می‌شود که

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و چهارم، شماره ۹۶

افراد قادر به بهره‌گیری بهینه از امکانات زیست‌محیطی محل سکونت خود نباشند. همچنین در مسیر علی‌چهارم، کاهش کیفیت محیط زیست بر فقر روستایی افزوده است. این یافته نشانگر آن است که بالا بودن کیفیت محیط زیست، شرط لازم برای افزایش فقر روستایی نمی‌باشد.

جدول ۳. علل فقر روستایی در شهرستان رستم^۱

میزان ثبات	پوشش خام	پوشش یگانه	راه‌حل پیچیده
۰/۹۹۱۲۴۵	۰/۶۷۷۸۸۷	۰/۰۳۴۷۶۰	اجتماعی*زیست‌محیطی*رضایتمندی*~اقتصادی*~فیزیکی
۱/۰۰۰۰۰۰	۰/۶۸۴۶۸۷	۰/۰۲۲۴۶۰	~انسانی*زیست‌محیطی*رضایتمندی*~اقتصادی*~فیزیکی
۰/۹۹۹۹۹۸	۰/۷۰۸۳۷۹	۰/۰۱۴۲۸۲	~انسانی*اجتماعی*رضایتمندی*~اقتصادی*~فیزیکی
۰/۹۹۹۹۹۶	۰/۷۵۰۹۵۰	۰/۰۷۲۱۰۰	~انسانی*اجتماعی*~زیست‌محیطی*رضایتمندی*~اقتصادی*~فیزیکی

پوشش راه‌حل: ۰/۸۵۶۷۹۸ ثبات راه‌حل: ۰/۹۹۳۰۶۰ محدوده ثبات: ۰/۹۸۹۲۳۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنین در تمام مسیرهای علی، منابع اجتماعی به همراه سایر شرایط علی، نقش بسزایی در شکل‌گیری فقر روستایی داشته‌اند (جدول ۳) به نحوی که با افزایش منابع اجتماعی بر شدت فقر افزوده شده است. مطالعات مختلف نشان داده‌اند که سرمایه‌های اجتماعی نقش بسزایی در پاسخگویی افراد به بحران دارند به نحوی که در شرایط رویارویی با بحران‌های غیرمنتظره، افراد و خانوارهایی که از ارتباطات اجتماعی بیشتری برخوردارند، به نحو بهتری قادر به مدیریت مخاطرات گردیده‌اند (Deressa et al., 2009, 252; Reid and Vogel, 2006, 205; Wolf et al., 2010, 44). یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که خانوارهای مورد مطالعه از ارتباطات اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند و روابط گسترده‌ای را با ساکنان روستا، افراد خارج از محیط روستا و نیز کارشناسان نهادهای مختلف دولتی ایجاد نموده‌اند. با این وجود بسیاری از افراد مورد مطالعه اذعان می‌نمودند، به‌منظور تأمین نیازهای اساسی خود تنها به خانواده و بستگان‌شان متکی می‌باشند که اکثریت آنها نیز از شرایط اقتصادی مناسبی برخوردار

۱. مدل: فقر روستایی = تابعی از (منابع فیزیکی، منابع اقتصادی، رضایتمندی، کیفیت محیط زیست، منابع اجتماعی، منابع انسانی)

واکاوی علل بنیادین.....

نمی‌باشند. این یافته با نتایج حاصل از مطالعه پائول (Paul, 1998, 369) همخوانی دارد و مبین این واقعیت است که در صورت بروز فقر گسترده، منابع اجتماعی کارایی کمتری در حل معضل پیچیده فقر خواهند داشت. همچنین در سه مسیر علی، کاهش منابع انسانی به افزایش فقر روستایی منجر گردیده است. این یافته با نتایج حاصل از مطالعه جانوری و سادولت (Janvry and Sadoulet, 2003, 125) مطابقت دارد و نشانگر آن است که پایین بودن منابع انسانی شرط لازم برای افزایش فقر روستایی می‌باشد.

۳. واکاوی مقایسه‌ای علل فقر روستایی در مناطق مورد مطالعه

این بخش از یافته‌ها به بررسی مقایسه‌ای مسیرهای علی دارای بیشترین ثبات و پوشش اختصاص یافته است. جداول ۲ و ۳ نشان می‌دهند که مسیرهای علی شماره ۴ مطالعات مقدماتی (انسانی* اجتماعی* زیست محیطی* رضایتمندی* اقتصادی* فیزیکی) و تکرار شده (انسانی* اجتماعی* زیست محیطی* رضایتمندی* اقتصادی* فیزیکی) از مناسب‌ترین پوشش برخوردارند. ضمن اینکه به ترتیب سومین مسیر علی مطالعه مقدماتی (انسانی* زیست محیطی* رضایتمندی* اقتصادی* فیزیکی) و دومین مسیر علی مرتبط با تکرار مطالعه (انسانی* زیست محیطی* رضایتمندی* اقتصادی* فیزیکی) بالاترین درجه ثبات را دارند. واکاوی کلی مسیرهای چهارگانه علی مؤید این است که عدم برخورداری از منابع انسانی، اقتصادی و فیزیکی مناسب، شرط ضروری افزایش فقر روستایی می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش، کلیه فقرای روستایی منابع اقتصادی چندانی را در اختیار ندارند. این افراد نه تنها از درآمد سرانه پایینی برخوردارند، بلکه در اراضی کم‌بازده به فعالیت کشاورزی اشتغال دارند و به دلیل ضعف منابع انسانی (دانش و مهارت) فرصت‌های شغلی کمتری را پیش‌رو دارند. همین عوامل موجب می‌شود که این دسته از خانوارها قادر به تأمین بخشی از نیازهای اساسی خود نباشند. از سوی دیگر، فقرای روستایی با محدودیت شدید منابع فیزیکی مواجه می‌باشند. این افراد نه تنها در اراضی کم‌بازده مشغول به کار می‌باشند، بلکه اراضی آبی

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و چهارم، شماره ۹۶

چندانی را نیز تحت تملک خود ندارند. علاوه بر آن، در حالی که به دلیل کمبود دانش و مهارت قادر به فعالیت در بسیاری از مشاغل فنی و حرفه‌ای نمی‌باشند، سایر اموال و دارایی‌ها نظیر ماشین‌آلات کشاورزی، وسایط نقلیه موتوری و دام را نیز در اختیار ندارند تا از این طریق نسبت به گذران معیشت اقدام نمایند. همچنین این دسته از خانوارها بیشتر در مناطق دور افتاده و حاشیه‌ای سکونت دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ضعف منابع انسانی نیز بر افزایش فقر روستایی دامن زده است به نحوی که بزرگی اندازه خانوار، تحصیلات اندک سرپرست و اعضای خانوار و نیز پایین بودن نرخ اشتغال اعضای بزرگسال خانوار مسائل ناشی از فقر روستایی را تشدید نموده است.

بررسی مقایسه‌ای نتایج حاصل از مطالعه مقدماتی و تکرار شده نشان می‌دهد که می‌توان دو مسیر علیّ مجزا را برای فقر روستایی مورد شناسایی قرار داد. اولین گروه فقرای روستایی (مسیرهای علیّ چهارم)، خانوارهایی می‌باشند که نه تنها به دلیل ضعف منابع انسانی، فیزیکی و اقتصادی دچار فقر فزاینده گردیده‌اند، بلکه محدودیت‌های زیست‌محیطی نیز موجبات افزایش فقر آنها را فراهم ساخته است. ضمن اینکه این خانوارها از منابع اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. به نظر می‌رسد بروز خشکسالی‌های شدید و مستمر در حصول این نتیجه بی‌تأثیر نبوده است. بسیاری از مناطق استان فارس در سال زراعی ۱۳۸۶-۸۷ که بی‌سابقه‌ترین خشکسالی پنجاه سال اخیر ایران محسوب می‌شود (Hosseini et al., 2009, 189) با بحران شدید آب مواجه گردیدند. با توجه به اینکه این خشکسالی در بسیاری از مناطق استان فارس از استمرار زیادی برخوردار بوده است، خسارات اقتصادی و زیست‌محیطی فراوانی را بر پیکره جوامع روستایی وارد آورده است. کاهش کمیت و کیفیت آب کشاورزی، خشک شدن مراتع و چراگاه‌ها، کاهش کیفیت خاک کشاورزی و نظایر آن در زمره پیامدهای منفی این خشکسالی به‌شمار می‌رود (Keshavarz et al., 2013, 121). با توجه به اینکه اقتصاد بسیاری از ساکنان روستایی به منابع آب و خاک و نیز منابع زیستی وابسته است، با نقصان این منابع، معیشت خانوارهای روستایی ناامن گردیده است. علاوه بر آن، گستردگی خسارات اقتصادی ناشی از

واکاوی علل بنیادین.....

خشکسالی موجب گسترش فقر گردیده و از کارایی نظام‌های اجتماعی در کاهش فقر روستایی کاسته است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که بروز خشکسالی و پیامدهای منفی اقتصادی و زیست‌محیطی ناشی از آن، نقش بسزایی در تشدید فقر خانوارهای منبع فقیر (منابع انسانی، فیزیکی و اقتصادی) دارد. از سوی دیگر، دومین گروه فقرای روستایی (مسیر علی سوم شهرستان داراب و مسیر علی دوم شهرستان رستم)، خانوارهایی می‌باشند که علی‌رغم عدم رویارویی با محدودیت‌های شدید زیست‌محیطی، فقر فزاینده‌ای را تجربه نموده‌اند. این گروه از خانوارها که با محدودیت‌های انسانی، فیزیکی و اقتصادی زیادی مواجه بوده‌اند، در محیط‌های طبیعی با کیفیت سکونت داشته‌اند و تلاش کرده‌اند با به‌کارگیری مکانیسم‌های مقابله روانی، رضایتمندی خود را از شرایط زندگی کنونی حفظ نمایند. با این وجود، فقر در میان این دسته از خانوارها نیز تشدید گردیده است. همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید، فقر سرمایه‌گذاری و نیز فقر دانش موجب شده که این افراد قادر به بهره‌گیری مناسب از امکانات زیست‌محیطی منطقه محل سکونت خود نباشند. ناتوانی در جذب و بهره‌گیری حداکثر از ظرفیت‌های محیطی، آنان را به مقابله روانی با فقر واداشته است. این دسته از افراد نه تنها برای رفع محدودیت‌های کنونی تلاش ننموده‌اند، بلکه با رضایت دادن به شرایط موجود بر فقر و مسائل ناشی از آن دامن زده‌اند. بنابراین می‌توان چنین اذعان نمود که فقر دانش، سرمایه‌گذاری و نیز فقر روانی، زمینه تشدید فقر این خانوارهای روستایی را فراهم ساخته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های حاصل از این مطالعه که با هدف بررسی علل فقر روستایی انجام شده است، از دیدگاه‌های نظری، روش‌شناسی و سیاست‌گذاری قابل توجه است. از دیدگاه نظری، این پژوهش با هدف گسترش و تعمیق شناخت عوامل زمینه‌ساز فقر روستایی انجام گردیده است. بهره‌گیری از روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه فازی، امکان شناسایی مسیرهای علی مختلفی که به فقر روستایی منجر می‌شوند را فراهم نموده است. یافته‌ها نشان دادند که

مجموعه‌ای از عوامل مختلف بر تشدید فقر روستایی اثر گذار می‌باشند و نوع و نحوه اثر گذاری این متغیرها بر فقر روستایی نیز متفاوت است به نحوی که برخی متغیرها همچون مؤلفه‌های زیست محیطی همواره تأثیر ثابت و یکسانی بر فقر روستایی ندارند. ضمن اینکه بر خلاف تفکرات رایج، متغیرهایی مانند منابع اجتماعی همواره به کاهش فقر روستایی نمی‌انجامند.

از دیدگاه روش‌شناسی، یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده سودمندی روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی مجموعه فازی در شناسایی مسیرهای علی منجر به فقر و ترکیب‌های علی زمینه‌ساز فقر روستایی می‌باشد. این روش تحلیل در مقایسه با روش‌های متداول کمی همچون تکنیک‌های همبستگی، درک عمیق‌تری را از پدیده فقر روستایی ایجاد کرده است. پژوهش حاضر در زمره اولین مطالعاتی است که این روش تجزیه و تحلیل را برای شناسایی پدیده فقر روستایی به کار گرفته است. با توجه به اینکه روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی، اطلاعات مناسبی را در زمینه نحوه شکل‌گیری پدیده اجتماعی فقر ارائه می‌دهد، بهره‌گیری از این تکنیک در سایر مطالعات مرتبط با فقر یا سایر حوزه‌های علوم اجتماعی توصیه می‌شود.

یافته‌های این پژوهش از جنبه سیاست‌گذاری نیز قابل تأمل می‌باشد. مطابق این یافته‌ها، کمبود منابع اقتصادی و فیزیکی در اختیار خانوار به افزایش فقر منجر می‌شود. بیشتر خانوارهای فقیر روستایی، مالکیت اراضی کم‌بازده را بر عهده دارند. با توجه به اینکه معیشت بسیاری از این خانوارها بر پایه کشاورزی استوار است، توصیه می‌شود نهادهای دولتی با انجام تحقیقات در خصوص نحوه افزایش حاصلخیزی اراضی مناطق مختلف و ارائه مشاوره‌های فنی - ترویجی مناسب زمینه افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی را فراهم سازند. همچنین مطابق یافته‌ها، فقر سرمایه‌گذاری موجب تشدید فقر روستایی گردیده است. هر چند بسیاری از خانواده‌های فقیر روستایی از توان مالی مناسب برخوردار نمی‌باشند، اما یافته‌های پژوهش نشان داد که بسیاری از این خانوارها، شبکه قوی و گسترده‌ای از ارتباطات اجتماعی را ایجاد نموده‌اند. سیاست‌گذاران و نهادهای متولی مدیریت و توسعه روستایی می‌توانند از این پتانسیل اجتماعی بهره‌گیرند و با ترغیب خانوارهای روستایی به خرید مشارکتی یا سهامی ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی زمینه

واکاوی علل بنیادین.....

افزایش درآمد آنان را فراهم نمایند. از سوی دیگر، محدودیت منابع انسانی به افزایش فقر روستایی منجر شده است. با توجه به اینکه سطح تحصیلات بسیاری از کشاورزان پایین می‌باشد، نهادهای متولی آموزش می‌بایست نسبت به برگزاری دوره‌های سوادآموزی و بازآموزی اقدام نمایند. همچنین یافته‌های این مطالعه نشانگر آن است که بسیاری از اعضای خانوارهای روستایی از دانش و مهارت فنی لازم برخوردار نمی‌باشند. همین امر موجب گسترش پدیده بیکاری در مناطق روستایی گردیده است. توصیه می‌شود برای شناخت استعدادها و پتانسیل‌های هر منطقه، مطالعات امکان‌سنجی و ظرفیت‌سنجی مجزا انجام شود و سپس متناسب با ظرفیت‌های منطقه‌ای، نسبت به ارائه خدمات آموزشی فنی و حرفه‌ای به جوانان روستایی اقدام شود تا از طریق افزایش فرصت‌های شغلی، از فقر خانوار کاسته شود. نتایج حاصل از این مطالعه نشانگر آن است که کاهش کیفیت محیط‌زیست نیز به افزایش فقر روستایی منتهی می‌شود. با توجه به اینکه بسیاری از خانوارهای روستایی برای تأمین معیشت خود به منابع زیستی وابسته‌اند، توصیه می‌شود نهادهای دولتی، در شرایط بروز خشکسالی، کمک‌های مالی مناسبی را در قالب بخشودگی بهره‌ور و ام، استمهال بدهی، اعطای کمک هزینه گذران زندگی و نظایر آن به خانوارهای روستایی ارائه دهند. پشتیبانی مالی از این خانوارها در شرایط بروز بحران‌های زیست‌محیطی، نه تنها به افزایش امنیت معاش خانوارها منجر می‌شود، بلکه آنان را از تخریب فزاینده محیط زیست باز می‌دارد. بدین ترتیب امکان تحقق اهداف توسعه پایدار در شرایط بروز این بحران‌ها نیز فراهم می‌شود. سرانجام، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که علی‌رغم افزایش تنگناهای اقتصادی، خانوارهای روستایی همچنان از شرایط زندگی خود راضی بوده‌اند. هر چند این ساز و کار روانی، امکان تحمل دشواری‌های زندگی را فراهم می‌سازد، اما بیم آن می‌رود که این خانوارها را از افزایش تلاش برای گذار از فقر باز دارد. به همین دلیل می‌بایست با انجام پژوهش‌های کاربردی زمینه تغییر نگرش افراد نسبت به فقر فراهم شود.

سپاسگزاری

این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه پیام نور استان فارس و اداره کل محیط زیست استان فارس در قالب طرح‌های پژوهشی شماره ۹۴/۱۸/۱۹۴۹ و ۹۱/۱۰/۵۸۶۰/ص انجام پذیرفته است.

منابع

- افتخاری، ف. و کرمی، ا. ۱۳۹۳. بررسی عوامل موثر بر فقر در مناطق روستایی کهگیلویه و بویراحمد. فصلنامه اقتصاد و کشاورزی، ۸(۱): ۱۳۹-۱۵۶.
- افتخاری، ف.، کرمی، ا. و نوری پور، م. ۱۳۹۱. بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد. اقتصاد کشاورزی، ۶(۱): ۱۷۹-۲۰۴.
- ترکمانی، ج. و جمالی مقدم، ا. ۱۳۸۴. اثرات مخارج عمرانی دولت بر فقرزدایی در مناطق روستایی ایران. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۷(۲۵): ۱۵۳-۱۷۴.
- حیدری، ع. ۱۳۹۰. بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۳۶: ۵۱-۶۶.
- خالدی، ک. و حقیقت‌نژاد شیرازی، ا. ۱۳۹۱. رشد اقتصادی بخش کشاورزی و فقر روستایی در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۶): ۵۷-۸۱.
- طالب، م.، فیروزآبادی، ا. و پیری، ص. ۱۳۹۰. مسأله‌شناسی فقر از دیدگاه زنان و دختران روستایی (مطالعه موردی روستای گنبد پیرمحمد از توابع شهرستان ملکشاهی - استان ایلام). فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۹(۲): ۱۴۳-۱۶۲.
- عرب‌مازار، ع. و حسینی‌نژاد، م. ۱۳۸۳. عوامل موثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران. جستارهای اقتصادی، ۱(۱): ۶۷-۹۴.
- غفاری، غ. و حق‌پرست، ع. ۱۳۸۳. نشانگرهای فقر در مناطق روستایی (مطالعه موردی روستاهای شهرستان آزادشهر). جامعه‌شناسی ایران، ۵(۴): ۳۲-۴۸.

واکاوی علل بنیادین.....

محمدزاده، پ.، متفکر آزاد، م.، صادقی، ک. و حکمتی فرید، ص. ۱۳۹۱. کاربرد الگوی هکمن دو مرحله‌ای در بررسی عوامل تعیین‌کننده شکاف فقر خانوارهای شهری و روستایی کشور.

مطالعات اقتصادی کاربردی در ایران، ۱(۴): ۱-۳۱.

محمدی‌یگانه، ب.، چراغی، م. و یزدانی، ز. ۱۳۹۳. تحلیل عوامل موثر بر توزیع فضایی فقر در نواحی روستایی، با تأکید بر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی موردشناسی؛ دهستان محمودآباد،

شهرستان شاهین‌دژ. جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، ۱۳: ۸۳-۹۶.

همزه‌ای، م.، شاه‌حسینی، ا.، برزو، غ. و موسوی مطلوب، س. ۱۳۹۱. شناخت فرهنگ فقر در روستایان

شهرستان هرسین. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۵): ۲۱۱-۲۴۰.

Aliber, M. 2003. Chronic poverty in South Africa: Incidence, causes and policies. *World Development*, 31(3): 473-490.

Baulch, B. and Hoddinott, J. 2000. Economic mobility and poverty dynamics in developing countries. *Journal of Development Studies*, 36(6): 1-24.

Berg-Schlosser, D. and De Meur, G. 1994. Conditions of democracy in interwar Europe: A Boolean test of major hypotheses. *Comparative Politics*, 26(3): 253-279.

Blake, C.H. and Adolino, J.R. 2001. The enactment of national health insurance: A Boolean analysis of twenty advanced industrial countries. *Journal of Health Politics, Policy and Law*, 26(4): 679-708.

Bryceson, D.F. 1996. Deagrarianization and rural employment in Sub-Saharan Africa: A sectoral perspective. *World Development*, 24(1): 97-111.

Cavendish, W. 2000. Empirical regularities in the poverty-environment relationship of rural households: Evidence from Zimbabwe. *World Development*, 28(11): 1979-2003.

- Chambers, R. 1997. Whose reality counts? putting the first last. London: IT Publications.
- Chambers, R., Longhurst, R. and Pacey, A. 1981. Seasonal dimensions to rural Poverty. London: Frances Pinter.
- Chapoto, A., Banda, D., Haggblade, S. and Hamukwala, P. 2011. Factors affecting poverty dynamics in rural Zambia. Food Security Research Project, Working paper No. 55, Lusaka, Zambia.
- Choker, B.A. 2004. Perception and response to the challenge of poverty and environmental resource degradation in rural Nigeria: Case study from the Niger Delta. *Journal of Environmental Psychology*, 24: 306-318.
- Deressa, T.T., Hassan, R.M., Ringler, C., Alemu, T. and Yesuf, M. 2009. Determinants of farmers' choice of adaptation methods to climate change in the Nile Basin of Ethiopia. *Global Environmental Change*, 19: 248-255.
- Downing, T. 1991. Vulnerability to hunger in Africa. *Global Environmental Change*, 1(5): 365-380.
- Ellis, F. 2000a. Rural livelihoods and diversity in developing countries. Oxford: Oxford University Press.
- Ellis, F. 2000b. The determinants of rural livelihood diversification in developing countries. *Journal of Agricultural Economics*, 51(2): 289-302.
- Eng, S. and Woodside, A.G. 2012. Configural analysis of the drinking man: Fuzzy-set qualitative comparative analyses. *Addictive Behaviors*, 37(4): 541-543.

- Francis, E. 2000. Making a living: changing livelihoods in rural Africa. London: Routledge.
- Gentle, P. and Maraseni, T.N. 2012. Climate change, poverty and livelihoods: Adaptation practices by rural mountain communities in Nepal. *Environmental Science & Policy*, 21: 24-34.
- Gordin, J. 2001. The electoral fate of ethnoregionalist parties in Western Europe: A Boolean test of extant explanations. *Scandinavian Political Studies*, 24(2): 149-170.
- Gordon, D. and Spicker, P. 1998. The international poverty glossary. London: Zed Books.
- Hayati, D. and Karami, E. 2005. Typology of causes of poverty: The perception of Iranian farmers. *Journal of Economic Psychology*, 26: 884- 901.
- Hayati, D., Karami, E. and Slee, B. 2004. Combining qualitative and quantitative methods in the measurement of rural poverty: The case of Iran. *Social Indicators Research*, 75: 361-394.
- Hosseini, M., Sharifzadeh, A. and Akbari, M. 2009. Causes, effects and management mechanisms of drought crisis in rural and nomadic communities in southeastern Iran as perceived by agricultural/rural managers and specialist. *Journal of Human Ecology*, 27(3): 189-200.
- Janvry, A. and Sadoulet, E. 2003. Rural poverty in Latin America: Determinants and exit paths. In Mathur, S. and Pachico, D. (eds.), *Agricultural Research and Poverty Reduction: Some Issues and Evidence*, pp. 105-130, Colombia: International Center for Tropical Agriculture.

- Kay, C. 2006. Rural poverty and development strategies in Latin America. *Journal of Agrarian Change*, 6(4): 455-508.
- Keshavarz, M. and Karami, E. 2011. Drought and happiness in rural Iran. *Journal of Soil Science and Environmental Management*, 3(3): 63-73.
- Keshavarz, M., Karami, E. and Vanclay, F. 2013. Social experience of drought in rural Iran. *Land Use Policy*, 30(1): 120-129.
- Keshavarz, M., Karami, E. and Zibaie, M. 2014. Adaptation of Iranian farmers to climate variability and change. *Regional Environmental Change*, 14(3): 1163-1174.
- Kluegel, J. and Smith, E. 1986. Beliefs about inequality: American's view of what is and what ought to be. New York: Aldine De Gruyter.
- Long, N. 2001. Development sociology: actor perspectives. London: Routledge.
- Mehta, A.K. and Shah, A. 2003. Chronic poverty in India: Incidence, causes and policies. *World Development*, 31(3): 491-511.
- Mendel, J.M. and Korjani, M.M. 2012. Charles Ragin's fuzzy set qualitative comparative analysis (fsQCA) used for linguistic summarizations. *Information Sciences*, 202: 1-23.
- Minnegal, M. and Dwyer, P.D. 2000. Responses to a drought in the interior lowlands of Papua New Guinea: A comparison of Bedamuni and Kubo-Koni. *Human Ecology*, 28(4): 493-526.
- Narayan, D., Chambers, R., Shah, M. and Petesch, P. 2000. Voices of the poor: crying out for change. Oxford: Oxford University Press.

- Nasser, R. and Abouchedid, K. 2001. Causal attribution of poverty among Lebanese university students. *Current Research in Social Psychology*, 6(14): 205- 220.
- Neff, D. 2013. Fuzzy set theoretic applications in poverty research. *Policy and Society*, 32(4): 319-331.
- Nomiya, D. 2001. Peasants' rebellion and social change: Application [of QCA] to historical data. In Kanomata, N., Nomiya, D. and Hasegawa, K. (eds.), *Shituteki Hikaku Bunseki (Qualitative comparative analysis)*, pp. 79-94, Kyoto: Mineruva Syobo.
- Pahl-Wostl, C. and Knieper, C. 2014. The capacity of water governance to deal with the climate change adaptation challenge: Using fuzzy set qualitative comparative analysis to distinguish between polycentric, fragmented and centralized regimes. *Global Environmental Change*, 29: 139-154.
- Pajunen, K. 2008. Institutions and inflows of foreign direct investment: A fuzzy-set analysis. *Journal of International Business Studies*, 39(4): 652-669.
- Paul, B.K. 1998. Coping mechanisms practiced by drought victims (1994/5) in North Bengal, Bangladesh. *Applied Geography*, 18(4): 355-373.
- Peillon, M. 1996. A qualitative comparative analysis of welfare legitimacy. *Journal of European Social Policy*, 6(3): 175-190.
- Penttinen, A.M. 2008. Poverty and the environment: Investment poverty and the role of assets in generating welfare for farmer households in the province of Herrera, Panama. Ph.D. Dissertation, University of Helsinki, Finland.

- Ragin, C.C. 1987. The comparative method: moving beyond qualitative and quantitative strategies. Berkeley/Los Angeles/London: University of California Press.
- Ragin, C.C. 1999. Using qualitative comparative analysis to study causal complexity. *Health Services Research*, 34(5): 1225-1239.
- Ragin, C.C. 2000. Fuzzy-set social science. Chicago: University of Chicago Press.
- Ragin, C.C. 2006. Set relations in social research: Evaluating their consistency and coverage. *Political Analysis*, 14(3): 291-310.
- Ragin, C.C. 2008. Redesigning social inquiry: fuzzy sets and beyond. Chicago: University of Chicago Press.
- Ragin, C.C. and Sonnett, J. 2005. Between complexity and parsimony: Limited diversity, counterfactual cases and comparative analysis. In Kropp, S. and Minkenberg, M. (eds.), *Comparing in Political Science*, pp. 180-197, Wiesbaden: VS Verlag für Sozialwissenschaften.
- Ravallion, M. 2010. Troubling tradeoffs in the human development index. World Development Policy Research, Working paper No. 5484. Washington: World Bank.
- Reardon, T. and Vosti, S.A. 1995. Links between rural poverty and the environment in developing countries: Asset categories and investment poverty. *World Development*, 23(9): 1495-1506.
- Reid, P. and Vogel, C. 2006. Living and responding to multiple stressors in South Africa-glimpses from KwaZulu-Natal. *Global Environmental Change*, 16 (2): 195-206.

واکاوای علل بنیادین.....

- Rigg, J. 2006. Land, farming, livelihoods, and poverty: Rethinking the links in the rural South. *World development*, 34(1): 180-202.
- Scherr, S.J. 2000. A downward spiral? Research evidence on the relationship between poverty and natural resource degradation. *Food Policy*, 25: 479-498.
- Schneider, M.R., Schulze-Bentrop, C. and Paunescu, M. 2010. Mapping the institutional capital of high-tech firms: A fuzzy-set analysis of capitalist variety and export performance. *Journal of International Business Studies*, 41(2): 246-266.
- Scoones, I. 1998. Sustainable rural livelihoods: A framework for analysis. Institute for Development Studies, Working Paper No. 72. University of Sussex, Brighton, UK.
- Sen, A. 1983. Poor, relatively speaking. *Oxford Economic Papers* (New Series), 35(2): 153-169.
- Sen, A. 1999. Development as freedom. Oxford: Oxford University Press.
- Siegel, P. and Alwang, J. 1999. An asset-based approach to social risk management: A conceptual framework. Social protection discussion paper No. 9926. Washington: World Bank.
- Skarmeas, D., Leonidou, C.N. and Saridakis, C. 2014. Examining the role of CSR skepticism using fuzzy-set qualitative comparative analysis. *Journal of Business Research*, 67: 1796-1805.
- Sullivan, C. 2002. Calculating a water poverty index. *World Development*, 30(7): 1195-1210.

- Swift, J. and Hamilton, K. 2001. Household food and livelihood security. In Devereux, S. and Maxwell, S. (eds.), Food Security in Sub-Saharan Africa. London: ITDG Publishing.
- Tarohmaru, H. 2001. Reconstruction of Ehrlich's Die Rechtsfähigkeit: Application [of QCA] to historical phenomena. In Kanomata, N., Nomiya, D. and Hasegawa, K. (eds.), Shituteki Hikaku Bunseki (Qualitative comparative analysis), pp. 113-129, Kyoto: Mineruva Syobo.
- Theuns, P. 1994. A dichotomization method for Boolean analysis of quantifiable co-occurrence data. In Fischeer, G.H. and Laming, D. (eds.), Contributions to Mathematical Psychology, Psychometrics, and Methodology, pp. 389-402, New York: Springer-Verlag.
- Webb, P., Von Braun, J. and Yohannes, Y. 1992. Famine in Ethiopia: Policy implications of coping failure at national and household levels. International Food Policy Research Institute, Project report No. 92, Washington, DC.
- Wolf, J., Adger, W.N., Lorenzoni, I., Abrahamson, V. and Raine, R. 2010. Social capital, individual responses to heat waves and climate change adaptation: An empirical study of two UK cities. *Global Environmental Change*, 20: 44-52.
- Woodside, A.G. 2013. Moving beyond multiple regression analysis to algorithms: Calling for adoption of a paradigm shift from symmetric to asymmetric thinking in data analysis and crafting theory. *Journal of Business Research*, 66(4): 463-472.

واکاوی علل بنیادین.....

Woodside, A.G. and Zhang, M. 2013. Cultural diversity and marketing transactions: Are market integration, large community size and world religions necessary for fairness in ephemeral exchanges?. *Psychology & Marketing*, 30(3): 263-276.